



پیش طرح تدوین تاریخی
تحلیلی انقلاب اسلامی
ایران

پی‌افزودی بر پیش‌طرح تدوین تاریخ تحلیلی انقلاب اسلامی ایران

در شماره ۳۲-۳۱ یاد در مقدمه پیش‌طرح تدوین تاریخ تحلیلی انقلاب اسلامی ایران، اشاره‌ای داشتیم به ضرورت تبعی گسترده در سراسر ایران اسلامی و فراهم آوردن اطلاعاتی در زمینه نقش شهرهای کوچک و بزرگ این سرزمین در پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به ویژگیهایی که مقاطع چهارگانه‌ای را - از سال ۴۱ تا ۵۷ - متمایز می‌سازد. پیش‌بینی و ارزیابی همه جنبه‌های این تتبع - پیش از عمل - کاری است بسیار دشوار به هر حال جهت امکان ارزیابی واقع بینانه‌تر بر آن شدیم که به آزمایشی محدود دست بزنیم که در حال حاضر اطلاعاتی را در مورد چهار شهر فراهم کرده‌ایم، اطلاعات مربوط به شهر زنجان جمع‌بندی و پردازش نیز شده است و با انتشار آن در همین شماره یاد برای همه صاحب‌نظران امکان ارزیابی و اظهار نظر فراهم می‌شود. در شماره‌های آینده - به خواست خدا - اطلاعات گردآوری شده در مورد شهرهای خراسان، اصفهان و آبادان نیز جمع‌بندی، پردازش و منتشر خواهد شد. انتخاب این چهار شهر به دلیل ملاک‌هایی بود که در یکی از جلسات هیأت علمی بنیاد تاریخ ... مطرح شد و دلیل تقدم زمانی نشر مقاله مربوط به زنجان تنها همین که این مقاله زودتر آماده انتشار شد.

یادداشت

البته باید پذیرفت که تاریخ جامع و کامل مبارزات اسلامی مردم زنجان (موضوع بحث این نوشته) در صورت گردآوری همه اسناد، مشاهدات و خاطرات عوامل اصلی آن، بسیار گسترده‌تر از این نوشته خواهد بود و شاید به چند مجلد بالغ گردد. لیکن منظور ما در این نوشتار تعیین محورهای عمده و اصلی روند مبارزه در آن شهر و ارائه تاریخچه مختصری از آن است. مضافاً بر این که این نوشتار صرفاً با استفاده از اسناد منتشر شده و در دسترس و نیز فقط خاطرات شمار معینی از افراد دخیل در مبارزات زنجان (به ویژه آنان که خاطراتشان را در اختیار نشریه پیام زنجان قرار داده بودند) تدوین و نگارش یافته است، و برای تهیه آن امکانات ناچیز و وقت محدودی داشته‌ایم. والسلام.

فصل اول

نگاهی گذرا به شناسنامه تاریخی - سیاسی زنجان و مطالعات فرهنگی

شهر «زنگان» و یا به صورت معرب و رایج کنونی «زنجان» یکی از شهرهای دیرینه و باستانی ایران است که احداث نخستین آن را مورخان در حدود سه هزار سال قبل به اردشیر بابکان نسبت داده‌اند.^(۱) که آن را ساخته و شهر شهین یا شاهین نامیده است.

نام این شهر باستانی، قبل از آمدن اسلام به ایران، بنابر دلایلی که اکنون دقیقاً برای ما دانسته نیست، به «زنگان» تغییر یافته و پس از فتح ایران توسط مسلمین عرب زبان،

۱- ر.ک: تاریخ زنجان / ۷۹، هوشنگ ثبوتی، از انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان،

طبق قواعد عربی در دیوانهای دولتی «زنجان» ثبت و معروف شده است، چنانکه «گرگان» به صورت «جرجان» و ...

این شهر در سال ۲۴ هجری در ایام خلافت عثمان، به فرماندهی یکی از اصحاب رسول خدا (ص) به نام «براء بن عازب» با قهر و غلبه (عنوه) توسط مسلمین فتح شده است. برآبن عازب یکی از راویان احادیث پیامبر است و از جمله رزمندگان در رکاب امیرالمومنین علی (ع) و یاران وفادار آنحضرت می‌باشد. مورخان نوشته‌اند که در هر سه جنگ جمل، صفین و نهروان در رکاب علی (ع) با دشمنان او جنگیده و سپس مقیم شهر کوفه شده و در این شهر می‌زیسته تا اینکه در امارت «مصعب بن زبیر» در آنجا از دنیا رفته است.^(۱) یاقوت حموی در معجم البلدان می‌نویسد:

«زنجان به فتح اول و سکون دوم، شهر بزرگ و مشهوری است که بین آذربایجان و نواحی جبال قرار گرفته و نزدیک ابهر و قزوین است.

عجم آن را به فتح گاف «زنگان» می‌گویند: از این شهر گروهی از اهل علم، ادب و حدیث برخاسته‌اند.»^(۲)

حمدالله مستوفی در سده هشتم (۷۴۰ هـ) چنین نوشته است:

«زنجان از اقلیم چهارم است، طولش از جزایر خالذات (طم) و عرض از خطاستوا (لول)، اردشیر بابکان ساخت و شهین خواند، دور بارویش ده هزار گام است. در فترت مغول خراب شد. هوایش سرد است و ... مردم آنجا سنی شافعی مذهبند و بر طنز و استهزاء احترام [اقدام] نمایند و ...، و زبانشان پهلوی راست است و از مزار اکابر و اولیاء در آن شهر بسیار است.»^(۳)

طبق نقل تاریخ زنجان، حاج زین العابدین شیروانی - از جغرافی نویسان عهد قاجار - نیز نوشته است:

«زنجان... مکرر به سپاه مؤالف و مخالف خراب شده، اکنون قریب به سه هزار

۱- ر. ک: اصحاب رسول الثقلین فی حرب الصفین / ۵۶، قوام الدین و شنوی، چاپ ۱۳۵۳ ه.ش.

۲- معجم البلدان ج ۳ / ۱۵۲، چاپ بیروت دار صادر.

۳- خزنه القلوب / ۱۴۷، حمداله مستوفی، چاپ سنگی مللک الکتاب شیرازی، ۱۳۱۱ ه.ق.

باب خانه در اوست و مردمش ترک زبان و شیعی مذهبنده و خالی از نخوت و خشونت نباشند... قدیم الایام ارباب کمال و اصحاب حال از آن برخاسته‌اند و به زیور فضایل صورت و کمالات معنوی آراسته‌اند، از آن جمله شیخ اخی فرج مرشد شیخ نظامی صاحب خمسه.»

در فرهنگ معین آمده است:

«زنجان [= زنگان]: شهرستان زنجان (استان یکم) در مغرب قزوین و جنوب گیلان واقع و شامل بخشهای حومه، ابهر، طارم علیا، ماه‌نشان، و خدابنده می‌باشد. ۲ مرکز آن شهر زنجان است که ۱۰۰۳۵۱ تن سکنه دارد. شهر زنجان در دره زنجانرود از شعب قزل ازن (سفیدرود) قرار گرفته و سر راه شوسه و خط آهن تهران به تبریز می‌باشد. صنایع فلزکاری دستی از قبیل و رشو و نقره‌سازی و چاقوسازی در آن مشهور است.»^(۱)

آخرین آمار رسمی درباره مسائل جمعیتی زنجان از این قرار است:

«بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵، شهرستان زنجان دارای ۷۸۷۳۷۴ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۳۱۴۰۶۵ نفر باسواد، ۴۷۳۳۰۹ نفر بیسواد بوده است. از کل این تعداد جمعیت ۳۱۹۷۸۳ نفر شهرنشین و ۴۶۷۵۹۱ نفر در روستاهای تابعه پراکنده‌اند، به عبارت دیگر از کل جمعیت این شهرستان ۴۷ درصد شهرنشین و ۵۳ درصد روستائین هستند، و جمعیت آن ۱۲٪ از جمعیت کل کشور است.»^(۲)

چنانکه از مطالعه اخبار و آثار تاریخی معلوم است، زنجان در گذشته‌های دور نیز یکی از شهرهای بزرگ و پر جمعیت ایران بوده، لیکن متأسفانه در طول تاریخ به قول شیروانی توسط «سپاه مؤالف و مخالف» بارها به خاک و خون کشیده شده و در نتیجه ویران و کم جمعیت گردیده است.

این شهر در طول تاریخ بلند خود دارای سوابق علمی و سیاسی درخشانی است.

۱- فرهنگ فارسی معین (بخش اعلام) ج ۵/۵۵۵، دکتر محمد معین، امیرکبیر تهران، ۱۳۶۰

۲- تاریخ زنجان / ۳۲، هوشنگ ثبوتی (سابق).

بزرگ مردانی از آن و روستاهای اطرافش مانند سهرورد و غیره برخاسته‌اند که در تاریخ و اندیشه ایران و اسلام تأثیر دگرگون ساز داشته‌اند. فرزندان منطقه زنجان همیشه در جریان‌ات روشنفکری و روشنگری تاریخ اسلام و مبارزات ضد استبدادی نقش داشته‌اند. چنانکه در میان جمعیت نیمه مخفی اخوان الصفا در زمان بنی عباس نام برخی از دانشمندان زنجانی می‌درخشد. سهروردی شهید و اخی فرج زنگانی مرشد حکیم نظامی در عالم فلسفه و عرفان و تصوف، چهره‌های بسیار آشنایی هستند. چنانکه «صدر جهان» از سیاستمداران بنام آن خطه در گذشته‌ها محسوب است.

مردمان این خطه به لحاظ اثر پذیری از شرایط خاص منطقه‌ای و آب و هوایی، همیشه به دنبال تلاش و تحرک و دخالت در حرکت‌های اجتماعی و سیاسی مثبت و یا منفی بوده‌اند. این شهر در دوران قاجاریه و پهلوی نیز اغلب اوقات صحنه درگیری‌های فکری و سیاسی مربوط به روز بوده است. مردمان زنجان به قول حمدالله مستوفی با «طنز و استهزاء» و یا طبق سخن زین العابدین شیروانی با «نخوت و خشونت» طبیعی خودشان در برابر حاکمان استبدادی نیز به مقابله و ستیزه‌جویی می‌پرداخته‌اند. گاهی از همین خصلت طبیعی و جبلی آنان نیز سوء استفاده شده و در نتیجه گروه‌هایی از آن به معرکه‌های مبارزاتی ناصحیح و «بدلی» کشیده شده‌اند. چنانکه در عصر ناصرالدین شاه برخی از رندهای زیرک آن عصر «فتنه بایبگری» را با استفاده از همین خوی مردم زنجان در آن شهر برپا کردند.

در عصر مشروطه‌خواهی نیز شاید بتوان گفت که اصیل‌ترین و مردمی‌ترین شکل و وجه حرکت مشروطه‌خواهی در این شهر به رهبری آخوند ملاقربانعلی زنجانی معروف به «حجت الاسلام» به وقوع پیوسته است.

در دروه خاندان پهلوی نیز، چه دوره رضاخان و چه پسرش محمدرضا، مردم این شهر از پیشگامان حرکت‌های ضد استبدادی و استعماری بوده‌اند و در قضیه کشف حجاب مقاومت‌های مستقیم و غیر مستقیم قابل تحسینی در آن سامان به وقوع پیوسته است.

در جنگ جهانی دوم پس از اشغال آذربایجان توسط نیروهای شوروی و با پوشش ظاهری فدائیان فرقه دموکرات آذربایجان به سردمداری سید جعفر پیشه‌وری، زنجان و توابع آن نیز به اشغال نیروهای کمونیست خارجی و داخلی درآمد و شخصی به

نام «غلام یحیی دانشیان» از طرف حکومت تجزیه طلب پیشه‌وری در تبریز به عنوان «صدر» و فرمانده کل این شهر و توابع آن معین گردید، تا زمینه سلطه کامل روسها بر آن را فراهم آورد. مردم با الهام از دستورات علمای بزرگ شهر مانند مرحوم آیت الله حاج سید محمود امام جمعه، تحت فرماندهی نظامی برخی از وجوه و منتقدین محلی، گروههای مخفی و آشکار مسلحانه‌ای را تشکیل داده و به مبارزات بسیار سختی با یادی بومی روسیه و سربازان آن کشور پرداختند که نتایج فرسایشی مطلوبی را به دنبال داشت. در زمان حاکمیت محمدرضا پهلوی نیز علما و گروههایی از مردم زنجان همیشه در صفوف مقدم مبارزات سیاسی، تبلیغاتی و حتی نظامی علیه دستگاه استبدادی و وابسته حاکمه شاه قرار داشتند.

این مبارزات مانند دیگر نقاط کشور عملاً و به گونه جدی بعد از رحلت مرجع تقلید بزرگ آن عصر آیت الله العظمی بروجردی (ره) و شروع مبارزات روحانیت با رژیم شاه با رهبری مراجع تقلید وقت به ویژه امام خمینی (ره)، آغاز گردید، و از آن تاریخ تا پیروزی قطعی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ با فراز و نشیبهایی ادامه یافت و در این مدت کسان زیادی از روحانیون، بازاریان، کسبه، دانشجویان، فرهنگیان، دانش آموزان، و مردم عادی به انحای مختلف و طبق اقتضای شرایط در مبارزه شرکت جسته و در نتیجه دچار شکنجه و زندان، معلولیت جسمی و یا شهادت گردیدند که اجرشان با خدا بادا. نگارش تاریخ مفصل همه اینها کتاب مفصلی را می طلبد که به موقع خود باید به رشته تحریر کشیده شود. لیکن یک تاریخ مختصر و مفید از جریان این حوادث و کلیات آن نیز ضروری به نظر می رسد و جای آن خالی است. نوشته حاضر تلاش ناچیز و گام کوچکی در این راه می باشد. و در این نوشته کوشش بر این است که تلاشها و مشارکت همه مبارزان، مخالفان و معارضان با رژیم شاه - اعم از افراد و دستجات مسلمان یا غیر مسلمان - بدون هیچ گونه سانسور و حب و بغض به رشته نگارش در آمده و تحلیل شود، تا از این رهگذر میزان نقش و سهم واقعی هر یک از جریانات در امر مبارزه با رژیم سلطنتی دانسته شود.